



### غلامرضا غلامی بادی

دبیر زبان و ادبیات فارسی اردستان و نطنز

#### چکیده

از میان مقوله‌های هفت‌گانه دستوری، حروف جایگاه ویژه‌ای دارند؛ به طوری که کمتر بیت شعر یا جمله‌ای را می‌توان یافت که حروف در آن به کار نرفته باشند. از این حیث، حرف «و» با بسامد بالای خود تأثیر بسزایی در درک و فهم معنای ابیات داشته و نویسنده به دلیل اهمیت این حرف، با بررسی کتب درسی ادبیات دوره متوسطه دوم به تجزیه و تحلیل این حرف پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** دستور زبان، حروف، انواع واو، کتب درسی

و ادبیات فارسی که داعیه ادبیات دانی و ادبیات پروری دارند دو چندان است؛ از یک طرف، اقتضا می‌کند که دانش‌آموزان را با متون کهن و گران‌سنگ ادب فارسی آشنا سازند تا در آینده طلایه‌داران تسخیر قلم رفیع ادبی باشند و از طرف دیگر، انس و الفت آنان را با ابزار این مسیر، یعنی علم دستور زبان، میسر می‌کنند؛ چرا که دستور زبان پایه و اساس هر خوانش و نگارش صحیح و قاعده‌مند است پس، روشن است که هر سیرکننده در گلزار ادبیات به این علم نیاز دارد.

#### دستور زبان پایه و اساس هر خوانش و نگارش صحیح و قاعده‌مند است

رابطه دستور زبان، به‌ویژه دستور تاریخی با متون نظم و نثر و شاهکارهای ادبی انکارناپذیر است. کسی می‌تواند بیشترین حظ و بهره را از ادبیات فارسی ببرد و برای خود طرّفی برینندد و از خرمن آن خوشه‌ها برچیند که دستور زبان را خوب بداند و با این علم، نقش و جایگاه واژه‌ها را در ادبیات و جملات بشناسد؛ با ساختار واژه‌ها آشنا باشد و از کوچک‌ترین و جزئی‌ترین مسائل دستوری غفلت نکند. از این حیث شناخت انواع حروف از ربط، اضافه و نشانه جایگاه ویژه‌ای دارد. بارها اتفاق افتاده است که

خواننده برای درک درست مفهوم شعر ذهن را با هر یک از واژه‌ها درگیر می‌کند اما بی‌توجهی او به معنی یک حرف سبب می‌شود که معنای شعر را به گونه‌ای دیگر برداشت کند یا دریافت معنای شعر برایش دشوار و پیچیده شود. بالطبع، این امر باعث دل‌زدگی خواننده می‌شود و نمی‌گذارد از شعر بهره کافی ببرد و مقصودش نیز حاصل نخواهد شد.

برای نمونه در برخی ابیات، واژه‌هایی که معمولاً از مقولۀ «فعل» اند، بعد از حرف «واو» حذف شده‌اند که استاد شفیع کدکنسی آن را «واو حذف و ایجاز» نامیده است. این حذف فعل خواننده را برای دریافت معنای شعر به چالش می‌کشد:

دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری  
جانب هیچ آشنا نگاه ندارد (حافظ، شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۰)

لازمه معنی کردن این بیت، آوردن فعل «دانستم» بعد از «واو» است؛ یعنی دیدم و دانستم که ... البته بسامد فعل «دیدم» و «می‌بینم» در این زمینه پررنگ‌تر است. دفتر دانش ما جمله بشوید به می که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود (حافظ: همان)

یعنی دیدم و دریافتم که ... با ذکر این دو بیت به عنوان نمونه، اهمیت موضوع بهتر مشخص می‌شود.

ادامه مطلب در وبگاه مجله